

نقش نهادهای قانونی و سیاسی در توسعه بیمه عمر؛ در کشورهای اسلامی OIC*

تاریخ دریافت: ۹۲/۸/۱۰

تاریخ تأیید: ۹۳/۶/۳۱

حمید سپهر دوست**

سمانه ابراهیم نسب***

چکیده

بیمه عمر از نهادهای مهم مالی است که در کنار دیگر نهادها به عنوان کانال هدایتی پسانداز خانوارها، نقش مؤثری در تأمین و تجهیز منابع مالی برای سرمایه‌گذاری در بازار پول و سرمایه دارد. با وجود اهمیت این نهاد در رشد و توسعه اقتصادی، در کشورهای اسلامی به حد کفایت توسعه پیدا نکرده است. یکی از مهم‌ترین علل توسعه‌نیافتگی صنعت بیمه عمر در کشورهای اسلامی، وجود باورهای خاص در این کشورها و ادعای وجود عناصر بهره، ربا و قمار در این نوع بیمه‌هاست. در مقاله پیش‌رو، تفاوت بیمه با این عناصر بیان شده و جهت توسعه بیمه عمر در کشورهای اسلامی از راه چگونگی اثربخشی نهادهای نظارتی قانونی و سیاسی و برقراری شفافیت در فعالیتهای بیمه‌گری جهت اطمینان از سرمایه‌گذاری منابع مالی بیمه عمر در فعالیتهای مولد، اشتغال‌زا و مطابق با موازین شریعت اسلام، راهکارهایی ارائه شده است. هدف اصلی مطالعه، بررسی اثر متغیرهای قانونی و سیاسی بر تقاضای بیمه عمر در کشورهای اسلامی (OIC) طی دوره زمانی (۱۹۹۹-۲۰۱۱) با استفاده از رهیافت پانل دیتا متوازن است. نتیجه‌های پژوهش بیان می‌کند که عملکرد مناسب نهادهای نظارتی قانونی و سیاسی و متغیرهای اقتصادی شامل توسعه مالی و درآمد سرانه و متغیر سرمایه انسانی به عنوان معیار ریسک‌گریزی اثر مثبت و معنادار بر توسعه بیمه عمر در کشورهای اسلامی منتخب دارند؛ در حالی که متغیر نرخ تورم انتظاری اثر منفی و معنادار بر توسعه بیمه عمر کشورهای اسلامی دارد.

واژگان کلیدی: بیمه عمر، نهادهای قانونی، نهادهای سیاسی، کشورهای اسلامی، رهیافت پانل دیتا.

طبقه‌بندی JEL: D12، I13، I38.

** مقاله پیش‌رو از پایان‌نامه‌ای استخراج شده که با همکاری و حمایت پژوهشکده بیمه انجام پذیرفته است.

*** دانشیار دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول). Email: hamidbasu1340@gmail.com.

*** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه بوعلی همدان. Email: ebrahimnasab.s@gmail.com.

مقدمه

امروزه اهمیت نهادهای قانونی و سیاسی بر عملکرد اقتصادی امری بدیهی و پذیرفته شده است و تحقیق‌های اخیر در حوزه اقتصاد، بهبود عوامل نهادی را به عنوان ابزاری جهت حصول توسعه و پیشرفت اقتصادی مطرح کرده‌اند؛ به طوری که دستیابی به رشد و توسعه پایدار بدون بهبود محیط قانونی و سیاسی امکان‌پذیر نیست. نظام فعالیتی بیمه عمر یکی از مهم‌ترین زیرمجموعه‌های فعالیتی صنعت بیمه و از مظاهر پیشرفت جوامع اقتصادی شمرده می‌شود که به طور آشکار در زندگی اقتصادی افراد و سطح رفاه جامعه اثرگذار است. چگونگی عملکرد نظام فعالیتی بیمه عمر از راه فراهم‌آوری و تشکیل پس‌اندازهای حجیم و به دنبال آن، انجام سرمایه‌گذاری کلان در جهت فعال‌سازی بازار سرمایه قابل توجیه است؛ به طوری که ذخیره‌های تجمیع شده در شرکت‌های بیمه عمر به فعالیت‌های اقتصادی سودآور انجامیده و با توجه به وجود فاصله زمانی احتمالی و منطقی بین زمان دریافت حق بیمه از سوی شرکت‌های بیمه عمر و پرداخت خسارت، شرکت‌های بیمه می‌توانند با استفاده بهینه از ذخیره‌های فنی شکل گرفته از حق بیمه‌های دریافتی، در بخش‌های عمومی یا خصوصی سرمایه‌گذاری کنند که این امر به افزایش سرمایه‌گذاری، تولید و رشد اقتصادی خواهد انجامید. از طرفی با افزایش فعالیت‌های تولیدی به علت گسترش بیمه عمر، اشتغال افزایش می‌یابد (مهدوی و ماجد، ۱۳۹۰، ص ۲۵). مطالعه روند روبه رشد نظام فعالیتی بیمه عمر در دهه گذشته، بیانگر نقش مؤثر و اثر روزافزون این گونه فعالیت‌های منجر به سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشورهاست. در همین رابطه، کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (۱۹۶۴) در جلسه اولیه خود اعلام کرد که بازار مناسب ملی بیمه عمر یکی از لوازم ضروری رشد اقتصادی است (جعفری صمیمی و کاردگر، ۱۳۸۶، ص ۸۷). توسعه نظام فعالیتی بیمه عمر نیز به عنوان یکی از انواع بیمه‌های اختیاری از مسئولیت‌های اجباری دولت کاسته و بخشی از تأمین‌های مربوط به هزینه مستمری و از کارافتادگی به خود افراد واگذار می‌شود. این امر به دولت اجازه می‌دهد که منابع مالی را در قسمت‌های دیگر اقتصاد سرمایه‌گذاری کند (مهدوی و ماجد، ۱۳۹۰، ص ۲۲).

برنامه‌ریزان بر این نکته واقف هستند که کلید رشد و توسعه بخش‌های گوناگون اقتصاد به‌ویژه در بازار مالی و در بخش بیمه عمر در گرو توجه به نقش محیط‌های قانونی و سیاسی

در روند توسعه این بخش‌ها قرار دارد و در صورت سوق‌دادن منابع و امکانات به بخش‌های دارای مزیت از جمله بخش بیمه عمر، زمینه‌های دست‌یابی به سرمایه‌گذاری‌های مولد حاصل از تشکیلات سرمایه‌ای بیمه عمر فراهم می‌شود (Erbas & Sayers, 2006, P.3-5). از آنجایی که اثر نهادهای قانونی و سیاسی بر صنعت بیمه عمر موضوع جدیدی است که مورد توجه محافل بین‌المللی واقع شده و هنوز تحقیق‌های جامعی درباره آن صورت نگرفته است. انجام هرگونه مطالعه در جهت پاسخ‌گویی به این پرسش که آیا با پدیدساختن محیط مناسب قانونی و سیاسی می‌توان نرخ نفوذ بیمه عمر را در کشورهای رو به رشد افزایش داد، ضروری به نظر می‌رسد. از آنجایی که بیمه نقشی مهم در پشتیبانی از رشد و توسعه اقتصاد ملی و بین‌المللی دارد و کشورهای اسلامی هم از این قاعده مستثنا نیستند، قرارداد بیمه عمر بیش از دیگر انواع بیمه مورد مخالفت فقیهان اسلامی قرار گرفته است؛ زیرا از نظر فقیهان عقد بیمه عمر، عقدی لازم است و جز با تراضی طرفین فسخ نمی‌شود. به باور گروهی از عالمان در بیمه عمر عناصری مانند بهره، نااطمینانی و ریسک وجود دارد که در اسلام از آنها نهی شده است. در مواقعی که حادثه‌ای اتفاق می‌افتد که تحت حمایت شرکت‌های بیمه است، تمام میزان سپرده‌شده در حساب سرمایه‌گذاری به همراه سود به فرد داده می‌شود. در حالی که اگر بیمه‌گذار اقساط خود را نپردازد، قرارداد بیمه به هم خواهد خورد. عالمان اسلامی به علت وجود شبهه قمار و ربا، بیمه عمر را غیرشرعی تلقی کرده‌اند. عده‌ای باور دارند که در بیمه عمر وقتی که بیمه‌گر پس از پایان قرارداد، وجه پرداختی بیمه‌گذار را برمی‌گرداند، گاهی هم مبلغی اضافه می‌پردازد و این بهره همان رباست (عرفانی، ۱۳۷۱، ص ۱۰۵). اندیشه‌وران این کشورها به خودی خود مخالف مفهوم کاهش ریسک، تسهیم ریسک یا مدیریت ریسک و تأمین مالی نیستند؛ بلکه از جبران خسارت قربانیان بدشانس پشتیبانی می‌کنند؛ البته بیشتر نظریات مخالف مرتبط با سیاست‌های سرمایه‌گذاری بهره‌محور شرکت‌های بیمه و آن سری از قراردادهای بیمه‌ای است که به ربا، غرر (نااطمینانی) و میسر (قمار) می‌پردازد. نخستین شرکت بیمه اسلامی در سال ۱۹۷۸ در سودان تأسیس شد و پس از آن تعداد فراوانی از شرکت‌های بیمه‌ای در کشورهای اسلامی با درجه‌های متفاوت در میزان سازگاری هدف‌های فعالیتی این شرکت‌ها با احکام شرعی موجود در کشورها شروع به فعالیت کردند. مفهوم اصلی بیمه اسلامی

مربوط به بیمه‌ای است متفاوت با بیمه متعارف که با ویژگی‌ها و الزام‌های شرع از جمله تسهیم ریسک همکارانه (Cooperative Risk Sharing) با استفاده از هبه‌های خیریه برای حذف غرر و ربا، تفکیک مالی روشن بین بیمه شده و متصدی (شرکت بیمه) و سیاست‌های پذیرهنویسی و راهبردهای سرمایه‌گذاری سازگار با شرع سازگار هستند (عسگری و اسمعیلی‌گیوی، ۱۳۸۸، ص ۶۵).

با وجود اهمیت فعالیت‌های بیمه عمر در رشد و توسعه اقتصادی، در کشورهای اسلامی بیمه عمر به حد کفایت توسعه پیدا نکرده است. یکی از مهم‌ترین علل توسعه‌نیافتگی صنعت بیمه عمر در کشورهای اسلامی، وجود باورهای خاص در این کشورها و ادعای وجود عناصر ربا، قمار و غرر در این نوع بیمه‌هاست.

این در حالی است که بیمه عمر با ربا تفاوت دارد؛ زیرا عقد بیمه عمر قرض نیست؛ بلکه نوعی سرمایه‌گذاری است و پرداخت اقساط بیمه قرض شمرده نمی‌شود؛ بلکه عقد مستقلی است که در ضمن آن شرط بر پرداخت خسارت شده است و این شرط لازم‌الاجراست؛ پس بیمه عمر نمی‌تواند ربا باشد. منابع حاصل از حق بیمه عمر نیز می‌تواند در فعالیت‌های مولد و اشتغال‌زا سرمایه‌گذاری شده و به تولید ملی کمک کند. از طرفی، بیمه عمر مشابه نوعی تجارت تضمینی است که طی آن شرکت بیمه خطری را تضمین کرده و بهای این تضمین (حق بیمه) را از بیمه‌گذار می‌گیرد. حق بیمه، ودیعه یا وام نیست که عامل ربوی بتواند در آن رخنه کند؛ در نتیجه در وجه اضافه بر اقساط، ربا تلقی نمی‌شود و با توجه به اینکه آنچه که در برابر حق بیمه پرداخت می‌شود؛ هر چند که بیشتر از اقساط پرداختی باشد؛ تأمین آرامش خاطر است که آن هم ناشی از تعهد بیمه‌گر به جبران خسارت است.

بیمه عمر با قمار نیز تفاوت اساسی دارد؛ زیرا قمارباز به قصد درآمد بدون زحمت و با نیت کسب سود از راه شانس وارد بازی می‌شود؛ اما بیمه‌گذار به منظور پوشش خطر خود و خانواده یا شخص دیگر وارد قرارداد بیمه عمر می‌شود. ماهیت بیمه، فرار از خطر است؛ اما ماهیت قمار، پذیرش خطر است. بیمه معامله‌ای معاوضی است که طرفین قرارداد هر کدام به‌صورتی از این قرارداد سود می‌برند؛ اما در قمار همواره یک طرف بازنده است. از نظر اقتصادی در قمار، عنصر غرامت جایگاهی ندارد، در حالی که بیمه قراردادی غرامتی است. بیمه عمر در رونق اقتصادی و تشویق افراد در ورود به فعالیت‌های اقتصادی مفید،

نقش مهمی دارد، در حالی که قمار نه تنها نقش مفید اقتصادی ندارد؛ بلکه باعث برهم ریختن فعالیت‌های متعادل اقتصادی نیز می‌شود و نظام کوشش، سود و خدمت را از بین می‌برد. قمارباز همیشه در اضطراب و نگرانی است؛ اما بیمه‌گذار با خرید بیمه عمر، از شدت خطری که وی و خانواده‌اش را تهدید می‌کند، می‌کاهد و برای خود و خانواده خود آرامش روحی و روانی به دست می‌آورد (همان، ص ۷۳-۷۵).

غرری بودن نیز در بیمه عمر منتفی است؛ زیرا بیمه‌گذار و بیمه‌گر از شرایط قرارداد در بیمه عمر آگاهی دارند و بحث گول‌زدن و فریفتن مطرح نیست. اگر منظور از غرری بودن، خطر و زیان است، بیمه عمر از غرر و شمول عقد غرری خارج است چون نه تنها خطری نیست؛ بلکه قراردادی است که برای پوشش خطر و رفع آن پدید آمده است. خطرهایی که امروزه زندگی بشر را تهدید می‌کنند، سبب شده که اشخاص بتوانند زندگی خویش را تحت پوشش بیمه‌ای قرار دهند؛ بنابراین بیمه عمر حقیقتی است که با هیچ مانع عقلی و شرعی روبه‌رو نیست.

بین تردید در مشروعیت بیمه عمر نزد بیمه‌گذاران در کشورهای اسلامی و پایین بودن سطح آن در این کشورها ارتباط وجود دارد؛ زیرا در شرکت‌های بیمه رایج در اکثر کشورهای اسلامی مورد مطالعه، شفافیت در رابطه قراردادی بیمه عمر وجود ندارد. در حالی که اگر نظام قانونی مناسب در کشور حاکم باشد، اطلاعات را به صورت شفاف در اختیار بیمه‌گذاران قرار می‌دهد و بیمه‌گذاران این اطمینان را دارند که منابع مالی ناشی از حق بیمه عمر در فعالیت‌های مولد، اشتغال‌زا و مطابق با موازین شریعت اسلام، سرمایه‌گذاری شده و از این رو خرید بیمه عمر از جانب بیمه‌گذاران، ربا و قمار شمرده نمی‌شود. اگر حاکمیت قانون به گونه‌ای منصفانه اجرا شود، به طوری که مبتنی بر قرآن کریم، سنت و نظرهای شرعی عالمان باشد تا حقوق متقابل بیمه‌گر و بیمه‌گذار رعایت شود، مشروعیت بیمه نزد بیمه‌گذاران بیشتر می‌شود. در کشورهای اسلامی کم‌وبیش این باور و فرهنگ وجود دارد که هر چه خداوند متعال عز و جل می‌خواهد همان خواهد شد و اختیار امور کمتر در دست انسان است؛ از این رو تقاضا برای بیمه عمر به عنوان عامل پوشش ریسک و مقابله با حوادث بسیار کمتر است؛ زیرا دخالت در امر خداوند متعال عز و جل شمرده می‌شود.

در کشورهای اسلامی اگر سطح پایینی از دموکراسی برقرار باشد، مشروعیت بیمه عمر نزد بیمه‌گذاران کاهش می‌یابد؛ زیرا اگر بیمه‌گذاران بیمه عمر، حق رأی و اظهارنظر در سیاست‌گذاری‌های بیمه عمر مطابق با موازین شرعی را داشته باشند و حق شرکت در مجمع عمومی را برای انتخاب هیئت مدیره و مسئولان بیمه داشته باشند می‌توانند مسئولانی را که مقید به موازین شرعی هستند انتخاب کنند تا فعالیت‌های بیمه‌گری در جهت موازین شرعی و اسلامی انجام گیرد. از جمله راه‌هایی که باعث افزایش اطمینان به بخش بیمه عمر می‌شود، شفافیت فعالیت‌های بیمه، محدودیت در سودجویی، سرمایه‌گذاری در راه‌های اخلاقی و وابستگی منافع بیمه‌گذار و بیمه‌گر است. با پدیدساختن محیط مناسب سیاسی و قانونی می‌توان به این هدف‌ها دست یافت؛ زیرا وجود ساختار سیاسی مناسب، وجود دموکراسی در کشور و وجود قوانین و مقررات مناسب، سودجویی در این بخش را محدود می‌کند و باعث افزایش اطمینان به قراردادهای بیمه عمر می‌شود. در جدول ۱، مقایسه بیمه عمر در شرایط رایج با شرایط برقراری حاکمیت قانونی منصفانه و مطابق با موازین اسلامی، برقراری قوانین مناسب و شفاف، برقراری دموکراسی در کشورهای اسلامی، برقراری ثبات سیاسی ارائه شده است:

جدول ۱: مقایسه بیمه عمر در شرایط نهادی نامناسب با شرایط مناسب نهادی

محور مقایسه	بیمه عمر در شرایط نامناسب نهادی	بیمه عمر در شرایط مناسب نهادی
برقراری حاکمیت قانون	مخدوش‌شدن اصل حاکمیت قانون و عدم اطمینان به نهادهای نظارتی و قضایی جهت برقراری عدالت بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار	اعمال حاکمیت قانون مطابق با موازین شرعی و وجود دستگاه قضایی منصف جهت رعایت حقوق بیمه‌گر و بیمه‌گذار
برقراری کیفیت مناسب قوانین	عدم وجود قوانین شفافیت در رابطه قراردادی بیمه و عدم اطمینان بیمه‌گذاران از صرف منابع مالی در فعالیت‌های مولد مطابق با موازین شرعی	وجود شفافیت قوانین و رابطه قراردادی بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار، اطمینان بیمه‌گذاران از صرف منابع مالی در فعالیت‌های مولد مطابق با موازین شرعی
برقراری مردم‌سالاری (دموکراسی)	عدم حق رأی و نظر بیمه‌گذاران در سیاست‌گذاری‌های بیمه عمر مطابق با موازین شرعی	حق رأی و نظر بیمه‌گذاران در سیاست‌گذاری‌های بیمه عمر مطابق با موازین شرعی
برقراری ثبات سیاسی	اطمینان بیمه‌گذاران به بازدهی سرمایه‌گذاری در بیمه عمر کاهش می‌یابد	اطمینان بیمه‌گذاران به بازدهی سرمایه‌گذاری در بیمه عمر افزایش می‌یابد

امروزه اهمیت نهادهای قانونی و سیاسی بر عملکرد اقتصادی امری بدیهی و پذیرفته شده است و تحقیق‌های اخیر در حوزه اقتصاد، بهبود عوامل نهادی را به عنوان ابزاری جهت حصول توسعه و پیشرفت اقتصادی مطرح کرده‌اند؛ به طوری که دستیابی به رشد و توسعه پایدار بدون بهبود محیط قانونی و سیاسی امکان‌پذیر نیست. در این میان، آنچه مهم به نظر می‌رسد وارد کردن متغیر نهادهای قانونی و سیاسی به تحلیل‌های اقتصادی و شناخت چگونگی اثرگذاری آنهاست، چرا که فرایند اثرگذاری نهادها بر رشد اقتصادی کم‌وبیش به صورت غیرمستقیم و از راه مجاری متفاوت مانند بازارهای مالی و به ویژه بازار بیمه عمر صورت می‌گیرد.

هدف از انجام این مطالعه، بررسی اثر متغیرهای قانونی و سیاسی بر تقاضای بیمه عمر در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی طی دوره زمانی (۱۹۹۹-۲۰۱۱) است و ساختار مقاله پس از مقدمه و ارائه مختصری از عملکرد کشورهای اسلامی منتخب درباره نظام فعالیتی بیمه عمر، شامل مروری بر مبانی نظری و پیشینه تحقیق، معرفی روش کار، متغیرهای تحقیق و مدل اندازه‌گیری است. در انتها پس از تخمین مدل، بخش یافته‌ها و نتیجه‌گیری پایان‌بخش بحث‌ها خواهد بود.

جایگاه بیمه عمر در اقتصاد کشورهای اسلامی

نتیجه گزارش معتبرترین مرجع آماری در صنعت بیمه جهان یعنی نشریه تخصصی سیگما (Sigma) وابسته به شرکت بیمه اتکایی سوئیس (Swiss Reinsurance Company) در سال ۲۰۱۲ نشان می‌دهد که قسمت عمده توسعه صنعت بیمه در جهان به رشد بیمه عمر مربوط می‌شود. طبق این گزارش در سال ۲۰۱۱ سهم بیمه عمر از صنعت بیمه در جهان به بیش از ۵۷ درصد و میزان حق بیمه آن در سطح جهانی به ۳/۷۷ درصد GDP جهان رسید (Sigma, 2012, P.31). درباره جایگاه بیمه عمر در اقتصاد کشورهای اسلامی و مقایسه مقدار متوسط شاخص‌های توسعه بیمه عمر این کشورها با مقدار متوسط جهان و کشورهای پیشرفته، جدول ۲ بیانگر این واقعیت است که متوسط شاخص‌های توسعه بیمه عمر در کشورهای اسلامی منتخب در طی دوره زمانی مورد مطالعه، تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای با مقدار متوسط این شاخص‌ها در کشورهای پیشرفته و نیز متوسط جهانی دارند. شاخص نفوذ بیمه

عمر که از نسبت حق بیمه عمر تولیدی به تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید، از جمله شاخص‌های مهم و متداولی است که در ارزیابی عملکرد صنعت بیمه عمر مورد استفاده قرار می‌گیرد. شاخص نفوذ بیمه عمر نشان می‌دهد که صنعت بیمه عمر چه سهمی از تولید ناخالص داخلی کشور را به خود اختصاص می‌دهد و از این شاخص به طور معمول به عنوان کارآمدترین معیار برای ارزیابی و مقایسه عملکرد بیمه عمر در بازارهای جهانی استفاده می‌شود. در جدول ۲ ملاحظه می‌شود که در سال ۲۰۱۱، متوسط ضریب نفوذ بیمه عمر در بیشتر کشورهای اسلامی منتخب پژوهش پیش‌رو در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته و متوسط جهانی در سطح بسیار پایینی قرار دارد. به طوری که مقایسه ضریب نفوذ بیمه عمر در کشورهای اسلامی منتخب طی دوره مورد مطالعه، به ترتیب $7/3$ و $5/5$ بار کمتر از کشورهای پیشرفته و متوسط جهانی است و این رقم قابل تأملی است. از دیگر معیارهایی که می‌تواند ضمن بیان وضعیت صنعت بیمه عمر در هر کشور، میزان رشد و توسعه فرهنگ بیمه عمر را نشان دهد، سهم حق بیمه عمر تولیدی از تمام حق بیمه‌های تولیدی است. بدیهی است که هر چه سهم حق بیمه‌های عمر از تمام حق بیمه‌های تولیدی در یک کشور بیشتر باشد، صنعت بیمه توانمندی بالاتر در سرمایه‌گذاری‌های مولد و مشارکت بیشتر در گسترش بازار سرمایه خواهد داشت (حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۸۱).

جدول ۲ نشان می‌دهد که در کشورهای پیشرفته، سهم بیمه‌های عمر از تمام حق بیمه‌های تولیدی $58/03$ درصد است، در حالی که در کشورهای اسلامی، فقط $36/25$ درصد از حق بیمه‌ها به بیمه عمر اختصاص داده شده است که این مقدار از متوسط جهانی ($57/2$) نیز کمتر است. از دیگر شاخص‌های مهم توسعه بیمه عمر، بیمه عمر سرانه است که از توزیع حق بیمه عمر به جمعیت کشور به دست می‌آید. متوسط میزان بیمه عمر سرانه در کشورهای اسلامی منتخب با مقدار $46/5$ دلار در جدول ۲، در مقایسه با مقدار این شاخص در کشورهای توسعه‌یافته ($2168/1$ دلار) و سطح جهانی ($377/7$ دلار) بسیار ناچیز است. اطلاعات مربوط به شاخص‌های بیمه عمر کشورهای اسلامی منتخب و مقایسه آنها با کشورهای پیشرفته و مقدار متوسط جهانی، گویای این مطلب است که بخش بیمه عمر یکی از مهم‌ترین زمینه‌های فعالیتی در بازارهای مالی کشورهای توسعه‌یافته شمرده می‌شود و این امر به علت سهم مستقیم آن در تولید ناخالص داخلی و انتقال ریسک و نیز نقش غیر

مستقیم آن در امور واسطه‌گری مالی است؛ در حالی که در کشورهای اسلامی مطالعه پیش‌رو، بیمه عمر به عنوان یکی از ابزارهای تأمین مالی، ناشناخته مانده و رشد چندانی نداشته است؛ بنابراین مطالعه درباره عوامل مؤثر بر توسعه بیمه عمر در این گونه کشورها ضروری است.

جدول ۲: مقایسه شاخص‌های توسعه بیمه عمر در کشورهای منتخب اسلامی، توسعه‌یافته و متوسط جهانی

در سال ۲۰۱۱

نام کشورها	ضریب نفوذ بیمه عمر (درصد)	حق بیمه عمر تولیدی (میلیون دلار)	بیمه عمر سرانه (دلار)	سهم بیمه عمر از کل بیمه (درصد)
ایران	۰/۲	۷۱۳	۱۰	۸/۶
پاکستان	۰/۴	۷۳۹	۴	۵۳/۷
اندونزی	۱/۱	۹۴۳۷	۴۰	۶۷
مالزی	۳/۳	۹۳۰۷	۳۲۸	۶۵/۲
کویت	۰/۱	۱۸۵	۶۶	۲۲/۸
بنگلادش	۰/۷	۷۸۹	۵	۷۵/۶
الجزایر	۰/۱	۱۰۳	۳	۸/۵
تونس	۰/۳	۱۱۹	۱۱	۱۴/۶
مصر	۰/۳	۷۴۰	۹	۴۳/۲
اردن	۰/۲	۵۶	۹	۹/۱
مراکش	۰/۹	۸۷۱	۲۷	۳۰/۴
متوسط کشورهای منتخب	۰/۶۹	۲۰۹۶	۴۶/۵	۳۶/۲۵
کشورهای پیشرفته	۵/۰۱	۲۲۶۱۷۴۰	۲۱۶۸/۱	۵۸/۰۳
متوسط جهانی	۳/۸	۲۶۲۷۱۶۸	۳۷۷/۷	۵۷/۲

منبع: (Sigma, 2011).

پیشینه تحقیق

تحقیق‌های داخلی

به لحاظ اهمیت تقاضای بیمه عمر و اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای نهادی و اقتصادی بر آن، مطالعه‌هایی در این باره صورت گرفته که به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌شود.

در بین مطالعه‌های داخلی، عباسی و درخشیده (۱۳۹۱) عوامل مؤثر بر تقاضای بیمه عمر در ایران را برای سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۸۸ بررسی کرده و نتیجه گرفتند که درآمد سرانه و نرخ پس‌انداز، اثر مثبت و معنادار و تورم اثر منفی و معنادار بر توسعه بیمه عمر دارند.

جهانگرد (۱۳۹۰) با استفاده از روش داده - ستانده، رابطه علی بین رشد اقتصادی و توسعه بیمه عمر ایران را برای سال‌های ۱۳۴۶-۱۳۸۶ بررسی کرد و نشان داد که رابطه معناداری بین رشد اقتصادی و توسعه بیمه عمر ایران وجود ندارد.

مهدوی و ماجد (۱۳۹۰) به تحلیل عوامل اجتماعی، روان‌شناختی و اقتصادی مؤثر بر تقاضای بیمه عمر در سطح خرد و در سه استان تهران، مازندران و آذربایجان شرقی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که انتظارات تورمی، متغیرهای سلامت انتظاری فرد و درجه ریسک‌گریزی اثر منفی و معنادار بر تقاضای بیمه عمر دارند و سن فرد، عضویت فرد در صندوق بازنشستگی، خوش‌بینی اقتصادی، اشتغال همسر، میزان مطالعه و عشق به خانواده اثر مثبت و معنادار بر تقاضای بیمه عمر دارند.

عزیزی (۱۳۸۵) اثر متغیرهای کلان اقتصادی را بر تقاضای بیمه عمر ایران برای سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۸۳ بررسی کرد و به این نتیجه رسید که توسعه مالی، درآمد و نرخ بهره اثر مثبت و معنادار بر تقاضای بیمه عمر دارند و متغیرهای تورم و قیمت بیمه اثر منفی و معنادار بر تقاضای بیمه عمر دارند.

جلالی‌لوسانی (۱۳۸۴) اثر متغیرهای کلان اقتصادی را بر تقاضای بیمه اشخاص ایران برای سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۸۰ را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که درآمد ملی سرانه و نرخ بیکاری اثر مثبت و معنادار بر تقاضای بیمه عمر و متغیر تورم اثر منفی و معنادار بر تقاضای بیمه عمر دارد.

پژویان و پورپریتوی (۱۳۸۲) با استفاده از داده‌های آماری سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۰ الگوی تقاضای بیمه عمر ایران را تخمین زده و به این نتیجه رسیدند که درآمد، تورم، جمعیت، درصد باسوادی و بار تکفل اثر مثبت و معنادار بر حق بیمه عمر سرانه دارند.

تحقیق‌های خارجی

در بین مطالعه‌های خارجی، لورا و میهای (Laura & Mihai, 2013)، اثر متغیرهای نهادی و اقتصادی را بر بیمه عمر برای ۳۱ کشور اروپایی برای سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۱۰ بررسی کردند. نتیجه‌های این پژوهش از آن حاکی است که عملکرد مناسب نهادهای حاکمیتی اثر مثبت بر تقاضای بیمه عمر دارد. متغیر تورم نیز اثر منفی و معنادار بر تقاضای بیمه عمر دارد. فین و همکاران (Feyen et al., 2011)، عوامل مؤثر بر تقاضای بیمه عمر در ۹۰ کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه را برای سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۸ مورد بررسی قرار دادند. نتیجه‌های مطالعه از آن حاکی است که وجود چارچوب قانونی قوی و درآمد اثر مثبت و معنادار و تورم اثر منفی و معنادار بر تقاضای بیمه عمر دارند.

چوی و کوک (Chui & Kwok, 2009) در مطالعه خود به بررسی اثر متغیرهای نهادی، اقتصادی و اجتماعی بر تقاضای بیمه عمر در ۳۸ کشور با درآمد پایین، متوسط و بالا برای دوره ۱۹۶۶-۲۰۰۴ پرداختند. نتیجه‌های مطالعه از آن حاکی است که متغیرهای اقتصادی شامل درآمد سرانه واقعی و توسعه بخش بانکی اثر مثبت و معنادار و تورم اثر منفی و معنادار بر تقاضای بیمه عمر دارند. شاخص عملکرد خوب عوامل نهادی نیز اثر مثبت و معنادار بر تقاضای بیمه عمر دارد.

نسترووا (Nesterova, 2008)، عوامل مؤثر بر تقاضای بیمه عمر را در چهارده کشور اروپایی برای دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۶ بررسی کرد و به این نتیجه رسید که تورم اثر منفی و معنادار، ثبات سیاسی اثر منفی و معناداری ضعیف و حاکمیت قانون اثر مثبت و معناداری ضعیف بر تقاضای بیمه عمر دارند.

بک و وب (Beck & Web, 2003)، اثر برخی متغیرهای اقتصادی و جمعیتی و نهادی را بر تقاضای بیمه عمر برای ۶۶ کشور در حال توسعه برای دوره ۱۹۶۱-۲۰۰۱ بررسی کرده و نتیجه گرفتند که تولید ناخالص داخلی کشور، امید به زندگی، تورم و توسعه بخش بانکی اثر معنادار و حاکمیت قانون اثر مثبت بی‌معنا بر توسعه بیمه عمر دارد.

وارد و زربروگ (Ward & Zurbrueg, 2002) به بررسی اثر متغیرهای اقتصادی، سیاسی و قانونی بر تقاضای بیمه عمر در ۲۵ کشور OECD و ۲۲ کشور آسیایی برای دوره ۱۹۸۷-۱۹۹۸ پرداختند و نتیجه‌ها بیان‌کننده اثر مثبت و معنادار درآمد سرانه، توسعه

مالی، حاکمیت قانون و ثبات سیاسی و اثر منفی و معنادار تورم بر توسعه بیمه عمر در کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه است.

هدف از انجام مطالعه پیش رو بررسی اثر متغیرهای قانونی و سیاسی بر تقاضای بیمه عمر در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی طی دوره زمانی ۱۹۹۹-۲۰۱۱ با استفاده از رهیافت پانل دیتا متوازن است. نوآوری پژوهش پیش رو در این است که تاکنون اثر متغیرهای قانونی و سیاسی بر بازار بیمه عمر درباره کشورهای اسلامی بررسی نشده و در این پژوهش این مسئله مورد توجه قرار گرفته است.

روش تحقیق و ارائه مدل

ساختار اصلی مطالعه پیش رو بر پایه بررسی اثر متغیرهای قانونی و سیاسی بر تقاضای بیمه عمر در کشورهای در حال توسعه استوار است. براساس نظریه حداکثرسازی مطلوبیت انتظاری سرپرست خانوار که به وسیله یاری (Yaari) و لوئیس (Lewis) مطرح شد، تقاضای بیمه عمر از دیدگاه تخصیص منابع مصرف کننده و در چارچوب مدل «دور چرخش» بررسی می شود. آنها با ارائه مدل «چرخش زندگی با طول عمر نامطمئن» نشان دادند که در یک تصمیم گیری اقتصادی، خانوارها می توانند مطلوبیت انتظاری خود را با خرید بیمه عمر و دریافت مستمری سالانه افزایش دهند و سرپرست خانوار مطلوبیت انتظاری طول عمر خود را نسبت به محدودیت فرایند تجمع پس انداز حداکثر می کند. در ارتباط با اثرگذاری شرایط قانونی و سیاسی بر تقاضای بیمه عمر، دو زمینه نظریه هزینه معاملاتی و نظریه کارگزاری مطرح است. نظریه هزینه معاملاتی یکی از مبانی اقتصاد صنعتی و نظریه های مالی است و درباره بیمه، شامل آن سری از هزینه هایی است که طرفین قرارداد بیمه برای کسب اطلاعات یا به علت عدم اجرای مفاد قرارداد بیمه ای از سوی طرف مقابل یا به منظور نظارت و اعمال قانون در قراردادها متحمل می شوند. براساس این نظریه، بنگاه ها در کنار هزینه های تولید و هزینه های اصلی خود که به وسیله سازوکار قیمت شناسایی می شوند، هزینه همکاری، مذاکره و مشارکت را باید در نظر گیرند (Coase, 1937, pp.390-400). ویلیامسون (Williamson) در چارچوب اقتصاد نهادگرایی جدید (New Institutional Economics) و براساس نظریه هزینه مبادله بیان می کند که

نهادهای قانونی و سیاسی، به‌طور مشخص برای کاهش هزینه‌های معاملاتی طراحی شده‌اند و در بازارهای رقابتی بیمه عمر، شرکت‌های بیمه که نتوانند هزینه‌های معاملاتی را کاهش دهند؛ باقی نخواهند ماند. وی بیان می‌کند که بی‌ثباتی سیاسی، کیفیت نامناسب قوانین و ناکارآمدی نظام قضایی (طولانی‌شدن دادرسی، فساد در نظام قضایی، بی‌عدالتی در اجرای حقوق بیمه‌گر و بیمه‌گذار و ...) باعث افزایش هزینه‌های مبادلاتی، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و کاهش انگیزه برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت از جمله در بخش بیمه عمر می‌شود؛ بنابراین بهبود شرایط قانونی و سیاسی، افزایش حاکمیت قانون و بهبود کیفیت قوانین، باعث می‌شود اطمینان بیمه‌گذاران به اجرای مفاد قرارداد بیمه‌ای افزایش یابد و هزینه‌های مبادلاتی و بیمه‌گری که ناشی از عدم اطمینان به اجرای مفاد قرارداد است را کاهش دهد و سرانجام با کاهش قیمت بیمه‌نامه به افزایش تقاضای بیمه عمر بینجامد (Williamson, 2000, pp.600-608).

در این مطالعه جهت بررسی اثر متغیرهای قانونی و سیاسی بر تقاضای بیمه عمر در کشورهای اسلامی از اطلاعات مربوط به یازده کشور منتخب از بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی که کمترین ضریب نفوذ بیمه عمر در سطح جهانی را دارند شامل ایران، پاکستان، اندونزی، مالزی، کویت، بنگلادش، الجزایر، تونس، مراکش، اردن و مصر طی سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۱۱ استفاده شد. علت انتخاب تعداد محدودی از کشورهای اسلامی به عنوان جامعه آماری، وجود محدودیت دسترسی به آمار ضریب نفوذ بیمه عمر برای اکثر کشورهای اسلامی است که سطح پایین توسعه‌یافتگی درباره بازار بیمه عمر را دارند. علت دیگر انتخاب این گروه از کشورها این است که در این کشورها به علت عملکرد ضعیف نهادهای قانونی و سیاسی در اطلاع‌رسانی به مردم درباره انطباق فعالیت‌های بیمه با موازین اسلامی و شفافیت رابطه قراردادی مطابق با موازین شرعی، آگاهی مردم نسبت به عملکرد بیمه عمر کمتر است؛ در نتیجه تقاضای آنها از بیمه عمر نیز کمتر است. منبع جمع‌آوری آمار و اطلاعات بین‌المللی مورد نیاز شامل سایت شاخص توسعه جهانی (World Development Indicators)، شاخص‌های جهانی حکمرانی (World Governance Indicators) و گزارش‌های سالانه نشریه بین‌المللی بیمه سیگما (Sigma, Swiss Re) است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها و برآورد مدل به وسیله رهیافت پانل دیتا از نرم‌افزار Eviews استفاده شد. با توجه به مبانی نظری و تجربی پژوهش،

متغیر ضریب نفوذ بیمه عمر به عنوان وابسته و معیاری برای تقاضا و توسعه بیمه عمر در نظر گرفته شد که از نسبت حق بیمه عمر تولیدی به تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید. متغیرهای قانونی و سیاسی، متغیرهای کیفی هستند که هر سال به وسیله سه تن از محققان بانک جهانی (Daniel Kaufmann, Aart Kraay & Massimo Mastruzzi) ارائه می‌شود که یافته‌های مؤسسه‌های گوناگون بین‌المللی مانند واحد اطلاعات اقتصاددانان (Economists Intelligence Unit (EIU))، راهنمای ریسک کشوری در سطح بین‌المللی ((ICRG) International Country Risk Guide))، بنیاد هریتیج (Heritage Foundation) و خانه آزادی (Freedom House) درباره وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها را با یکدیگر ادغام کرده و شاخص‌های کلی و جدیدی تحت عنوان شاخص‌های نهادی معرفی کرده‌اند. این منابع اطلاعاتی براساس نظرسنجی از شرکت‌ها و افراد، ارزیابی آژانس‌های رتبه‌بندی ریسک‌های تجاری، سازمان‌های غیردولتی و نیز تعدادی از آژانس‌های کمک‌های چندجانبه و سازمان‌های بخش دولتی پدید می‌آیند؛ بنابراین مدل اندازه‌گیری تحقیق به صورت رابطه‌های (۱ و ۲) به شرح ذیل تنظیم شده است:

(۱)

$$LIP_{it} = \beta_0 + \beta_1 LAW_{it} + \beta_2 INF_{it} + \beta_3 FD_{it} + \beta_4 GDPCAP_{it} + \beta_5 RA_{it} + \varepsilon_{it}$$

(۲)

$$LIP_{it} = \beta_0 + \beta_1 PS_{it} + \beta_2 INF_{it} + \beta_3 FD_{it} + \beta_4 GDPCAP_{it} + \beta_5 RA_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن LIP_{it} بیانگر ضریب نفوذ بیمه عمر، LAW_{it} متغیر قانونی به صورت میانگین متغیر حاکمیت قانونی و متغیر کیفیت قوانین و مقررات است. معیارهای کیفی اندازه‌گیری متغیر قانونی شامل وجود دستگاه قضایی منصف، اعتماد مردم به نظام قضایی، استقلال نظام قضایی در برابر دولت، سرعت و بی‌طرفی در فرایند دادرسی بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار، مقابله با سوءاستفاده‌های مالی و پول‌شویی، شفافیت قوانین، شفافیت رابطه قراردادی و الزام به قراردادها به وسیله دولت در بخش خصوصی و دولتی، است. PS_{it} متغیر سیاسی به صورت میانگین متغیر ثبات سیاسی و متغیر دموکراسی است. معیارهای کیفی اندازه‌گیری متغیر سیاسی شامل معیارهای میزان توانایی مسئولان در پاسخ‌گویی به مردم، حق مشارکت و اظهارنظر مردم در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولت، آزادی بیان، آزادی انجمن‌ها،

آزادی‌های مدنی، عدم وجود تضاد فرهنگی و مذهبی و عدم وجود تنش‌های بین‌المللی است. INF_{it} نرخ تورم انتظاری، FD_{it} شاخص عمق مالی و معیاری برای توسعه مالی است که از نسبت نقدینگی (M_2) به تولید ناخالص داخلی (GDP) به دست می‌آید، $GDPCAP_{it}$ تولید ناخالص داخلی سرانه (بر حسب قیمت ثابت سال ۲۰۰۰)، RA_{it} متغیر سرمایه انسانی و به عنوان معیاری برای ریسک‌گریزی است که شامل میزان ثبت‌نام‌شدگان در مقطع تحصیلات دانشگاهی است، i بیان‌کننده نوع کشور و t معرف زمان است.

فرضیه‌های تحقیق

بر مبنای مطالعه‌های انجام‌شده در پیش و فرضیه‌های اصلی و فرعی تحقیق، انتظار می‌رود که اثر متغیرهای سیاسی، قانونی، شاخص توسعه مالی، تولید ناخالص داخلی و ریسک‌گریزی بر تقاضای بیمه عمر مثبت و اثر متغیر نرخ تورم انتظاری بر تقاضای بیمه عمر منفی باشد (جدول ۳).

جدول ۳: توضیح داده‌های آماری و علامت‌های مورد انتظار برای مدل

متغیرها	نماد متغیر در مدل	تعریف متغیر	علامت مورد انتظار
قانونی	LAW	میانگین متغیر حاکمیت قانون و کیفیت قوانین	+
سیاسی	PS	میانگین متغیر ثبات سیاسی و دموکراسی	+
درآمد سرانه	GDPCAP	تولید ناخالص داخلی سرانه بر حسب قیمت ثابت ۲۰۰۰	+
توسعه مالی	FD	$M2_{it}/GDP_{it}$	+
تورم	INF	تغییر در شاخص قیمت مصرف‌کننده	-
ریسک‌گریزی	RA	School enrollment, tertiary (% gross)	+

تخمین مدل و تفسیر نتیجه‌ها

در مطالعه پیش‌رو جهت ارزیابی و برآورد مدل اثر نهادهای قانونی و سیاسی بر تقاضا و توسعه بیمه عمر، در ابتدا پولینگ یا پانل دیتا بودن داده‌های آماری مورد آزمون قرار گرفت و برای این منظور از آزمون F لیمر استفاده شد. طبق نتیجه‌های به دست آمده برای مقدار F محاسبه‌هایی در جدول ۴، پانل دیتا بودن داده‌های آماری مورد پذیرش قرار می‌گیرد. برای

برآورد مدل به روش پانل دیتا نیز دو روش ممکن شامل روش اثرهای ثابت (اثرهای مقاطع و کشورها با متغیرهای توضیحی هم‌بستگی دارند) و روش اثرهای تصادفی (اثرهای مقاطع با متغیرهای توضیحی هم‌بستگی ندارند) وجود دارد. برای تعیین نوع روش، از آزمون هاسمن استفاده می‌شود که نتیجه‌های آن در جدول ۴ آمده است و روش اثرهای متغیر را مورد تأیید قرار می‌دهد؛ بنابراین مدل به صورت پانل دیتا و با اثرهای متغیر برآورد می‌شود (اشرف‌زاده و مهرگان، ۱۳۸۷، ص ۲۸-۲۶).

جدول ۴: نتیجه‌های آزمون F لیمر و هاسمن

نوع آزمون	مدل ۱	مدل ۲
(Prob.) Redundant Fixed Effects Tests:F-Statistic	۲۷۰/۰۹ (۰/۰۰)	۲۸۸/۰۵ (۰/۰۰)
(prob.)Hausman Test: Chi-Square	۲/۹۸ (۰/۷۱)	۴/۴۵ (۰/۴۸)

پس از تخمین مدل و نتیجه‌های مربوط به برآورد ضرایب در جدول ۵ خلاصه شده است، مشاهده می‌شود که تمام متغیرها از لحاظ آماری معنادار بوده و ضرایب تخمینی تمام متغیرها علائمی دارند که با عمده مطالعه‌های تجربی و مفهومی نظری مطرح شده سازگار هستند. در ادامه به منظور تبیین دقیق‌تر به بررسی جداگانه اثر هر یک از متغیرها بر تقاضای بیمه عمر پرداخته می‌شود.

جدول ۵: نتیجه‌های برآورد ضرایب مدل به روش پانل دیتا

Independent variable	Dependent variable: Life Insurance Penetration: Premiums in % of GDP	
	مدل ۱	مدل ۲
B ₀	-۲/۷۸ *** (-۶/۵۵)	-۴/۵۵ *** (-۷/۱۳)
INF	-۰/۰۰۷ *** (-۴/۹۱)	-۰/۰۵۶ *** (-۳/۵۹)

GDPCAP	۰/۲۸ *** (۴/۲۸)	۰/۵۲ *** (۵/۷)
Fd	۰/۰۰۳ ** (۲/۳۱)	۰/۱۶ *** (۲/۲)
RA	۰/۱۲ ** (۲/۳۴)	۰/۰۸۷* (۱/۸۳)
LAW	۰/۳۹ *** (۷/۵۹)
political	۰/۲ *** (۵/۲۴)
\bar{R}^2	۰/۹۶۷	۰/۹۶۸
-StatisticF (prob)	۲۸۳/۰۸۵ (۰/۰۰)	۲۸۹/۱۸ (۰/۰۰)

توضیح: مقادیر داخل (پرانتز) مقدار آماره t-statistic را نشان می‌دهد و علائم *** و ** و * به ترتیب نشان‌دهنده سطوح معناداری ۱ درصد، ۵ درصد و ۱۰ درصد هستند. همان‌طور که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود، محیط مناسب قانونی، اثر مثبت و معنادار بر توسعه بیمه عمر در کشورهای منتخب اسلامی دارد. این نتیجه مطابق با انتظارات تئوریک است و با یافته‌های مطالعه‌های فین و همکاران (۲۰۱۱)، نسترو (۲۰۰۸) و وارد و زربرواگ (۲۰۰۲) مطابقت دارد. وجود قوانین و مقررات در بازارهای مالی و به‌ویژه در بخش بیمه عمر اهمیت فراوانی داشته و موجبات تسهیل و تنظیم فعالیت‌ها و مبادله‌های بیمه‌ای را فراهم می‌آورد؛ درحالی‌که وجود قوانین سخت‌گیرانه و مبهم به پیچیده‌تر شدن فعالیت‌های بیمه‌ای می‌انجامد. بنابراین، بازار بیمه عمر برای ایفای نقش خود به قوانین و مقرراتی شفاف، دقیق و بهینه نیازمند است.

حاکمیت قانون، معرف میزان احترام عمل قائل شده به وسیله شهروندان و دولت‌مردان یک کشور برای نهادهایی است که با هدف وضع قوانین، اجرای آنها و حل اختلاف‌ها پدید آمده‌اند. براساس این تعریف، زمانی می‌توان ادعا کرد که در یک جامعه، قانون حاکم است

که این دو شرط تأمین شده باشد: الف) حمایت از افراد در برابر اقدام‌های خودسرانه دولتی است که فعالیت‌های اقتصادی را مختل می‌کند. ب) وجود نظام قضایی منصف است که قراردادها را به سرعت اجرایی و از حقوق افراد حمایت می‌کند. در صورتی که دو شرط پیش‌گفته تحقق نپذیرد و نظام قانونی ناکارآمد باشد، به‌گونه‌ای که امکان اجرای قراردادها را فراهم نسازد، مانع توسعه سرمایه‌گذاری می‌شود.

در پژوهش پیش‌رو از میانگین متغیر دموکراسی و ثبات سیاسی به عنوان متغیر سیاسی استفاده شد و معلوم شد که محیط مناسب سیاسی، اثر مثبت و معنادار بر توسعه بیمه عمر در کشورهای منتخب اسلامی دارد. این نتیجه، مطابق با انتظارات نظری است و با یافته‌های مطالعه‌های وارد و زربرواگ (۲۰۰۲) مطابقت دارد.

وجود دموکراسی از دو جهت می‌تواند بر توسعه صنعت بیمه عمر اثرگذار باشد:

۱. بیمه‌گذاران بیمه عمر می‌توانند واکنش مناسبی نسبت به تصمیم‌ها و سیاست‌های دولت در زمینه‌های گوناگون اقتصادی به‌ویژه در بخش بیمه داشته باشند.
۲. شرکت‌های بیمه (بیمه‌گران) این قدرت را دارند که در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های کشورشان اظهارنظر کنند و نسبت به سیاست‌های اقتصادی گرفته شده به وسیله دولت‌ها به‌ویژه در بخش بیمه واکنش مناسب نشان دهند و از این راه به سودآوری بخش بیمه و منافع بیمه‌گذاران خود کمک شایانی کنند که هر دو این امر به افزایش تقاضای بیمه عمر و توسعه این بخش می‌انجامد.

متغیر سیاسی دیگری که در پژوهش پیش‌رو مورد استفاده قرار گرفته، شاخص ثبات سیاسی است. ثبات سیاسی دولت‌ها و فقدان هرگونه آشوب، اعتراض و جنگ داخلی که موجبات تضعیف یا سرنگونی دولت را فراهم می‌آورد، محیط آرام و مطمئنی را برای فعالان اقتصادی مهیا می‌سازد که انگیزه سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد به‌ویژه سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت مانند بیمه عمر را افزایش می‌دهد. نبود ثبات سیاسی همان‌طور که بر تمام فعالیت‌های اقتصادی اثر می‌گذارد، صنعت بیمه عمر را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به‌طور نمونه، به علت جریان‌های سیاسی و تحریم‌های جامعه جهانی علیه برخی کشورهای اسلامی، شرکت‌های بیمه فعال در این کشورها از سوی سازمان‌های معتبر جهانی، رتبه‌بندی نمی‌شوند؛ در نتیجه مردم و فعالان اقتصادی، دید روشنی از وضعیت شرکت‌های بیمه ندارند. به‌عبارتی اطمینانی از آینده شرکتی که می‌خواهند سرمایه خود را نزد آن بیمه کنند ندارند. از طرف دیگر، به

علت جریان‌های سیاسی که این کشورها درگیر آن می‌شوند، بیمه‌گر اتکایی خارجی تمایلی به انعقاد قراردادهای بلندمدت با شرکت‌های بیمه این کشورها ندارند که این امر مانع فعالیت بیمه‌گران کشورهای اسلامی در بازار بیمه جهانی می‌شود. در صورت وجود ثبات سیاسی، بازارهای داخلی به روی بیمه‌گرهای خارجی گشوده خواهد شد. ورود بیمه‌گرهای خارجی از کشورهای پیش‌رو در بخش بیمه عمر به کشورهای کم تجربه، کم‌ویش منافع بسیار مدیریتی، فنی، آموزشی و ارائه محصولات جدید برای بازارهای بیمه‌ای کشورهای کم‌تجربه دارند (Ward & Zurbrugg, 2002, P. 399).

از نتیجه‌های استخراج‌شده به‌دست می‌آید همان‌طور که در هر دو مدل تولید ناخالص داخلی سرانه به عنوان معیاری برای درآمد سرانه، اثر مثبت و معنادار بر ضریب نفوذ بیمه عمر دارد. این نتیجه‌گیری با یافته‌های مطالعه‌های فین و همکاران (۲۰۱۱)، وارد و زربرواگ (۲۰۰۲) و عباسی و درخشیده (۱۳۹۱) مطابقت دارد. در هر دو مدل مشخص شد که تورم اثر منفی و معنادار بر ضریب نفوذ بیمه عمر دارد. این نتیجه نیز با یافته‌های مطالعه‌های فین و همکاران (۲۰۱۱)، نستروا (۲۰۰۸)، وارد و زربرواگ (۲۰۰۲) و عباسی و درخشیده (۱۳۹۱) مطابقت دارد. از طرف دیگر مشاهده شد که شاخص توسعه مالی اثر مثبت و معنادار بر توسعه بیمه عمر دارد و این نتیجه‌گیری با نتیجه‌های مطالعه‌های وارد و زربرواگ (۲۰۰۲) مطابقت دارد. بدیهی است که فقدان بازار مالی مناسب، نبود ابزارها و بازارهای تسهیل‌کننده به‌ویژه در بخش پولی و مالی و نیز فقدان تسهیلات اعتباری کافی، توسعه سرمایه‌گذاری از جمله سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت مانند بیمه عمر را با دشواری روبه‌رو می‌کند؛ بنابراین برای افزایش تقاضای بیمه عمر، وجود بازارهای مالی گسترده و متشکل از شبکه بانکی، انواع مؤسسه‌های مالی، بیمه‌بازنشستگی و بازارهای سرمایه ضرورت دارند. در انتها با مشاهده نتیجه‌های به‌دست آمده در جدول ۵ ملاحظه می‌شود که با استفاده از متغیر تحصیلات یا سرمایه انسانی به عنوان معیاری جهت ریسک‌گریزی، در هر دو مدل متغیر ریسک‌گریزی اثر مثبت و معنادار بر تقاضای بیمه عمر دارد. این نتیجه با یافته‌های مطالعه‌های وارد و زربرواگ (۲۰۰۲) مطابقت داشته و از این واقعیت حاکی است که هر چقدر سرمایه انسانی افزایش یابد، آگاهی افراد افزایش یافته و باعث می‌شود که با انواع

بیشتری از ریسک آشنا شوند؛ در نتیجه درباره بیمه عمر به عنوان ابزار پوشش ریسک آگاهی می‌یابند و فرهنگ بیمه فراگیر می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

چهار عامل جمعیت، منابع طبیعی، سرمایه و فناوری، نقش اساسی در رشد اقتصادی دارند و در بین آنها عامل سرمایه یا منابع مالی و داشتن بازار مالی قوی به‌ویژه در بخش بیمه عمر، در امر توسعه بیمه عمر بسیار مهم است. فراهم‌کردن سرمایه به سرمایه‌گذاری نیاز دارد و سرمایه‌گذاری نیز از محل پس‌اندازها انجام می‌گیرد. با وجود پیشرفت همه‌جانبه این بیمه در اکثر کشورهای توسعه‌یافته، بیمه عمر که نیاز مبرم زندگی امروز است، در سبد مصرفی خانواده‌ها در اکثر کشورهای اسلامی به‌ویژه کشور ایران جایگاه مطمئنی به‌دست نیاورده است. برای توسعه بیمه عمر، نیاز به فراهم‌ساختن محیط سیاسی و قانونی مناسب است. با پدیدساختن چنین محیطی می‌توان بازار بیمه عمر را به سوی کارایی و پویایی سوق داد. با استناد به مطالعه نظری ویلیامسون (Williamson, 2000, pp.600-608) و مطالعه‌های تجربی لورا و میهای (Laura & Mihai, 2013)، و فین و همکاران (Feyen et al., 2011)، و جوی و کوک (Chui & Kwok, 2009)، بک و وب (Beck & Web, 2003)، و وارد و زربرواگ (Ward & Zurbrueg, 2002) وجود نهادهای قانونی و سیاسی مناسب در کشورهای اسلامی اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا از آنجا که بین مشروعیت بیمه عمر نزد بیمه‌گذاران در کشورهای اسلامی و پایین‌بودن سطح توسعه‌یافتگی آن در این کشورها ارتباط وجود دارد. در کشورهای اسلامی اگر سطح پایینی از نهادهای نظارتی سیاسی و قانونی جهت نظارت بر هماهنگی فعالیت‌های بیمه عمر با موازین اسلامی برقرار نباشد، مشروعیت بیمه عمر نزد بیمه‌گذاران کاهش می‌یابد؛ زیرا نهادهای نظارتی قانونی و سیاسی مناسب و کارا از راه ملزم‌سازی بیمه‌گران در جهت شفاف‌سازی فعالیت‌های بیمه، باعث محدودیت در سودجویی و سرمایه‌گذاری منابع مالی بیمه عمر در راه‌های اسلامی شده و به وابستگی منافع بیمه‌گذار و بیمه‌گر می‌انجامد و بیمه‌گذاران این اطمینان را دارند که منابع مالی ناشی از حق بیمه عمر در فعالیت‌های مولد، اشتغال‌زا و مطابق با موازین شریعت اسلام، سرمایه‌گذاری شده و از این‌رو خرید بیمه عمر از جانب بیمه‌گذاران، ربا و قمار شمرده

نمی‌شود. سرانجام اطمینان به فعالیت‌های بیمه عمر بیشتر شده و باعث افزایش تقاضای محصولات بیمه عمر می‌شود. اگر نهادهای نظارتی قانونی از جمله حاکمیت قانون و نظام قضایی به‌گونه‌ای منصفانه اجرا شود، به‌طوری که مبتنی بر قرآن کریم، سنت و نظرهای شرعی عالمان باشد تا حقوق متقابل بیمه‌گر و بیمه‌گذار رعایت شود، مشروعیت بیمه نزد بیمه‌گذاران بیشتر می‌شود؛ زیرا یکی از سازوکارهای نظارت دولت بر بخش بیمه از راه دادگاه‌هاست. دستگاه قضایی به عنوان نهاد قانونی با اقتدار کامل از حقوق دارایی‌ها اعم از دارایی مادی و معنوی بیمه‌گذار و بیمه‌گر و ضمانت اجرای قراردادها مطابق با موازین شرعی حمایت می‌کند؛ بنابراین، دستگاه قضایی نقش مهمی در نظارت بر بخش بیمه دارد و اختلاف بین بیمه‌گران و بیمه‌گذاران را طبق شرایط قراردادها و قوانین و مطابق با موازین اسلامی، حل و فصل می‌کند. نهادهای قانونی و سیاسی بر حسب ارتباط تنگاتنگی که با بخش‌های گوناگون اقتصادی به‌ویژه بازار مالی دارند، از عوامل مؤثر بر توسعه بیمه عمر شمرده می‌شوند. بهبود محیط‌های سیاسی و قانونی، به علت پدیدساختن انگیزه برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت مانند بیمه عمر و پدیدساختن محیطی مناسب برای انعقاد قراردادهای بیمه عمر، نقش مهمی در تقاضای بیمه عمر دارد. بیمه عمر که نوعی سرمایه‌گذاری بلندمدت است، به عنوان یکی از قراردادهای بیمه‌ای و بازرگانی، تابع قوانین مدنی، مقررات و حقوق بیمه است که تعهدهای طرفین قرارداد بیمه، اعم از بیمه‌گر و بیمه‌گذار را تبیین می‌کند. به‌طور خلاصه با توجه به مدل‌های معرفی شده و تخمین ضرایب، مشاهده شد که متغیرهای قانونی و سیاسی اثر مثبت و معنادار بر ضریب نفوذ بیمه عمر دارد. متغیرهای کنترل شامل درآمد سرانه، توسعه مالی و ریسک‌گریزی اثر مثبت و معنادار بر ضریب نفوذ بیمه عمر دارند. متغیر نرخ تورم (درصد تغییر در شاخص قیمت مصرف‌کننده) اثر منفی و معنادار بر ضریب نفوذ بیمه عمر دارد و با افزایش تورم، انگیزه پس‌انداز مردم کاهش می‌یابد. نتیجه‌های حاصل از تخمین مدل اندازه‌گیری پژوهش درباره اهمیت نقش شرایط قانونی و سیاسی در تقاضای بیمه عمر کشورهای اسلامی، توصیه‌های سیاستی ذیل را برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران صنعت بیمه عمر جهت افزایش تقاضای بیمه پیشنهاد می‌کند:

۱. تأکید بر نهاد حاکمیت قانون، تأمین قضایی و حفظ و تقویت دادگاه‌ها براساس موازین

اسلامی به منظور حمایت از حقوق بیمه‌گذار و بیمه‌گر، ضمانت اجرای قراردادهای و کاهش خطر ابطال قراردادهای بیمه‌ای در جامعه مطابق با موازین اسلامی؛

۲. توجه بیشتر به اثر مثبت و معنادار کیفیت قوانین و مقررات بر توسعه و تنظیم بیمه عمر و حذف قوانین و مقررات بی‌قیدانه و دست و پاگیر که بسیار زمان‌بر و پرهزینه هستند و اجرای قرارداد بیمه‌ای را با تأخیر روبه‌رو می‌سازند؛ به طوری که این تنظیم‌گری در جهت آگاهی بیمه‌گذاران از صرف منابع مالی بیمه در فعالیت‌های هماهنگ با اصول اسلامی و شرعی و رفع نقیصه‌ها و کاستی‌های قوانین بیمه‌ای در این باره باشد.

۳. به‌کارگیری قوانین و مقررات مناسب و اجرای حاکمیت قانون از طرف دولت و فراهم‌آوری شرایط لازم جهت برقراری اطمینان و شفافیت رابطه قراردادی میان طرفین قرارداد بیمه‌ای (بیمه‌گذار و بیمه‌گر) و در جهت کسب اطمینان از انطباق فعالیت‌های بیمه‌ای با موازین شرعی.

۴. فراهم‌ساختن فضای سیاسی باثبات برای توسعه بیمه عمر به وسیله برگزاری دوره‌های تخصصی بیمه‌ای و انتقال تجربه‌ها و دانش بیمه‌گران کشورهای پیش‌رو در بیمه عمر به کشورهای در حال توسعه. این امر باعث تقویت انگیزه سرمایه‌گذاری مولد و بلندمدت در بخش بیمه عمر و کسب بازدهی بیشتر می‌شود.

۵. توجه ویژه به مقوله دموکراسی از جمله آزادی بیان، حق اظهارنظر بیمه‌گذاران در سیاست‌گذاری‌های بیمه عمر مطابق با موازین شرعی و فراهم‌سازی شفافیت اطلاعات بیمه‌ای جهت محدودیت سودجویی در فعالیت‌های بیمه و اطمینان از سرمایه‌گذاری منابع مالی بیمه در راه‌های اسلامی و وابستگی منافع بیمه‌گذار و بیمه‌گر، ضروری است تا به این ترتیب مشروعیت اسلامی بیمه عمر نزد بیمه‌گذاران افزایش یابد و متقاضیان بیمه عمر اطمینان یابند که فعالیت‌های بیمه‌گری در جهت موازین شرعی و اسلامی انجام گیرد.

منابع و مأخذ

۱. اشرف‌زاده، سیدحمیدرضا و نادر مهرگان؛ اقتصادسنجی پانل‌دیتا؛ ج ۱، چ ۱، تهران: مؤسسه تحقیقات تعاون، ۱۳۸۷.
۲. پژوهش‌های علمی، جمشید و میرطاهر پورپرتوی؛ «تخمین تابع تقاضای بیمه عمر و پیش‌بینی آن»؛ فصلنامه صنعت بیمه، ش ۶۹، ۱۳۸۲.

۳. جعفری صمیمی، احمد و ابراهیم کاردگر؛ «توسعه بیمه و رشد اقتصادی: تحلیل نظری و تجربی در اقتصاد ایران ۱۳۳۸-۱۳۸۳»؛ فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی، س ۶، ش ۴۵، ۱۳۸۶.
۴. جلالی لواسانی، احسان؛ «بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر تقاضای بیمه اشخاص»؛ فصلنامه صنعت بیمه، س ۲۰، ش ۲ (۷۸)، ۱۳۸۴.
۵. جهانگرد، اسفندیار؛ «بیمه و رشد اقتصادی در ایران»؛ فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، س ۱۹، ش ۵۹، ۱۳۹۰.
۶. حسن‌زاده، علی، محمدمهدی عسگری و مهدی کاظم‌نژاد؛ «بررسی جایگاه صنعت بیمه در اقتصاد و بازار سرمایه ایران»؛ فصلنامه صنعت بیمه، س ۲۵، ش ۲، ۱۳۸۹.
۷. عباسی، ابراهیم و سمانه درخشیده؛ «عوامل مؤثر بر تقاضای بیمه عمر در ایران»؛ پژوهشنامه بیمه، س ۲۷، ش ۴ (۱۰۸)، ۱۳۹۱.
۸. عرفانی، توفیق؛ قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران؛ ج ۱، چ ۱، تهران: کیهان، ۱۳۷۱.
۹. عزیزی، فیروزه؛ «رابطه میان متغیرهای کلان اقتصادی و تقاضا برای بیمه عمر در ایران ۱۳۶۹-۱۳۸۳»؛ فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۰، ش ۴، ۱۳۸۵.
۱۰. عسگری، محمدمهدی و حمیدرضا اسمعیلی‌گیوی؛ «تحلیل نظری ساختار بیمه‌های عمر در نظام تکافل و بیمه‌های متعارف»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۸، ش ۳۲، ۱۳۸۸.
۱۱. مهدوی‌کلیشمی، غدیر و وحید ماجد؛ «تحلیل عوامل اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی مؤثر بر تقاضای بیمه عمر در ایران»؛ فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی، ش ۵، ۱۳۹۰.
12. Beck, T. & web, I.; "Economic, Demographic and Institutional Determinants of Life Insurance Consumption across Countries"; **The World Bank Economic Review**, Vol. 17, No. 1, 2003.

13. Boose, MA.; "Agency theory and alternative prediction for life insurance: an empirical test"; **The Journal of Risk and Insurance**, vol. 57, no.3, 1990.
14. Chui, A.C.W. & Kwok, C.Y.; "Cultural practices and life insurance consumption: An international analysis using globe scores"; **Journal of Multinational Financial Management**, Vol. 19, 2009.
15. Coase, H.R.; "The Nature of the Firm"; **Economica, New Series**, Vol. 4, No. 16, 1937.
16. Eisenhardt, K.; "Agency theory: an assessment and review"; **Academy of Management Review**, vol. 14, no.1, 1989.
17. Erbas, N.S. & Chera, L.S.; "Institutional Quality, Knightian Uncertainty, and Insurability: A Cross-Country Analysis"; **International Monetary Fund Working paper**, 2006.
18. Feyen, E., Lester, R. & Rocha, R.; "What Drives the Development of the Insurance Sector? An Empirical Analysis Based on a Panel of Developed and Developing Countries"; **The World Bank**, 2011.
19. Laura, S. and Mihai, C.; "The Role of Institutional Factors Over the National Insurance Demand: Theoretical Approach and Econometric Estimations"; **Transylvanian Review of Administrative Sciences**, No. 39, 2013.
20. Lewis, F.D.; "Dependents and the Demand for life Insurance"; **American Review**, No. 79, 1989.
21. Nesterova, D.; "Determinants of the demand for life insurance: Evidence from selected CIS and CEE countries";

A Thesis Submitted In Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Master of Arts in Economics, at the National University of Kyiv-Mohyla Academy of Ukraine, 2008.

22. Swiss Reinsurance Company, World Insurance, Various years, Sigma. Zurich: Swiss Reinsurance Company, 1999-2011, Available on Swiss Re Website: www.Swissre.com/Sigma
23. Ward, D. and Zurbruegg, R.; "Law, politics and life insurance consumption in Asia"; **The Journal of Risk and Insurance**, Vol. 27, No. 3, 2002.
24. Williamson, O.; "The new institutional economics: taking stock, looking ahead"; **Journal of Economic Literature**, Vol. 38, No. 3, 2000.
25. World Development Indicators (WDI), World Bank, Washington, DC, 2012, Available at : <http://www.worldbank.org>
26. Worldwide Governance Indicators WGI; Governance Matters, "Worldwide Governance Indicators", **Available at**, 2012, www.Govindicators.org
27. Yaari, M.; "Uncertain life time, life insurance and the theory of the consumer"; **Review of Economic Studies**, vol. 32, 1965.

